

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

بررسی رابطه بین دانش مالیاتی، عدالت مالیاتی ادراک شده و تمکین مالیاتی (مورد مطالعه: مؤدیان مالیاتی استان ایلام)

بهروز نقیبی

کارشناس ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات ایلام
Behrooznaghibi@yahoo.com

غلامرضا امیدی

کارشناس ارشد مدیریت اجرایی
pou.ilam@gmail.com

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی روابط بین دانش مالیاتی، عدالت ادراک شده مالیاتی و تمکین مالیاتی است به این منظور، سه فرضیه پژوهشی تدوین گردید. روش تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از حیث روش توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه مؤدیان مالیاتی استان ایلام است جامعه آماری تحقیق نامحدود می باشد و با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۸ نفر بعنوان حجم نمونه انتخاب شد. از روش کتابخانه ای و میدانی برای جمع آوری اطلاعات استفاده شد. ابزار تحقیق پرسشنامه های دانش مالیاتی، تمکین مالیاتی و عدالت مالیاتی مجموعاً با ۳۸ سوال که روایی آن توسط کارشناسان و متخصصین تایید شد. پایایی پرسشنامه ۰/۸۷۷ بدست آمد که بیانگر پایا بودن ابزار سنجش می باشد. از نرم افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل داده های تحقیق و از آزمون ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی روابط بین متغیرها استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که بین دانش مالیاتی و عدالت ادراک شده مالیاتی و تمکین مالیاتی همبستگی معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: دانش مالیاتی، عدالت ادراک شده مالیاتی، تمکین مالیاتی.

مقدمه

بهترین منبع درآمد برای توسعه زیرساخت‌ها، مالیات است که با فراهم شدن این شرایط کمک شایانی به انجام سرمایه گذاری ها در خصوص توسعه راه‌ها، ایجاد سدها، پایانه‌های حمل و نقل، راه‌های ارتباطی و توسعه شبکه توزیع آب و برق و انرژی خواهد شد. درآمدهای ناشی از دریافت مالیات توسط دولت نقش بسیار مهمی در توسعه هر جامعه دارد که بیش از هر چیز گسترش فرهنگ مالیات و لزوم پرداخت آن برای پیشرفت هر کشور ضروری به نظر می‌رسد. البته در کشورهای در حال توسعه وابستگی به منابع طبیعی به ویژه نفت و درآمد ناشی از آن سهم عمده‌ای در تامین منابع و هزینه‌های مورد نیاز برای مخارج دولت دارد. در کشور ما اگر چه نقش اصلی درآمدهای دولت ناشی از فروش نفت بوده اما برنامه ریزی‌های انجام شده از ایجاد تحول در امور مالیاتی خبر می‌دهد. اصلاح نظام مالیاتی یکی از هفت محور اجرای طرح تحول اقتصادی در خصوص تحقق اهداف سند چشم انداز توسعه برای افق ۱۴۰۴ است که توجه بیش از پیش به امور مالیاتی را از سوی مسئولان نشان می‌دهد (عاملی، ۱۳۸۶، ۱۴۷).

فاصله گرفتن از اقتصادی متکی بر درآمد حاصل از نفت و اداره امور کشور به وسیله درآمد حاصل از مالیات نیازمند توسعه در ابعاد مختلف است که افزایش بهره‌وری، ایجاد اشتغال، افزایش سطح کیفیت محصولات تولیدی و انجام سرمایه گذاری از مهمترین این موارد محسوب می‌شوند. در این بین بیش از هر چیز دیگری آگاه ساختن مردم در مورد نقش مالیات در توسعه کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. مردم باید در فعالیتهای عمومی مشارکت داشته باشند و برای ایجاد فرهنگ مالیاتی در جامعه تلاش کنند. اگرچه مالیات یکی از منابع مهم درآمدی دولت است، اما متأسفانه برخی نگاهها به این است که می‌گویند ما نفت داریم و دیگر تامین هستیم. ناگفته نماند: بر اساس قانون پنجم برنامه توسعه هزینه‌های جاری دولت باید از طریق مالیات تامین و در مقابل از درآمد ناشی از نفت برای سرمایه‌گذاری و ایجاد زیرساخت‌ها استفاده شود که منطبق نیز همین است. اگر چه سرمایه‌گذاری اصلی در کشور ما با درآمد حاصل از نفت انجام می‌شود، اما حداقل باید هزینه‌های نگهداری آن از طریق خود جامعه تامین شود (رزاقی، ۱۳۸۸، ۱۷).

خوشبختانه کشور به این مهم دست یافته که راه توسعه و ترقی در مالیات عادلانه است، زیرا داشتن عدالت اجتماعی با داشتن عدالت مالیاتی محقق می‌شود. برای کنترل تورم و کاهش فاصله طبقاتی در جامعه باید مالیات به صورت مناسب وضع شود و قانون مدون و جامعی داشته باشیم که بتواند تمامی منابع را پوشش دهد و بر اندازه درآمدها مالیات فرض شود. تحول در نظام مالیاتی کشور در شرایط کنونی از چنان اهمیتی برخوردار است که پس از هدفمند کردن یارانه‌ها نخستین محور اجرای طرح تحول اقتصادی، به عنوان دومین محور مورد تاکید قرار دارد (رسولی شمیرانی، ۱۳۸۶، ۵۲).

کسب مالیات از مردم فرایندی است، که دولت از طریق وضع قوانین و مقررات آن را عملیاتی می‌سازد. اخذ مالیات از مردم نه فقط ابزاری برای افزایش درآمدهای دولت است بلکه به عنوان ابزاری در جهت مدیریت عدالت اجتماعی نیز استفاده می‌گردد (جین‌گان، ۲۰۰۶) و از طریق تجزیه و تحلیل سیستم مالیاتی است که وضعیت عدالت اجتماعی در حوزه مالیاتی مشخص می‌گردد، سیستم مالیاتی یکی از مهمترین و پیچیده ترین نظام‌های اجتماعی است که دانش بسیاری از افراد نسبت به آن محدود است. شناخت کلی شهروندان از سیاست‌های کلی مالیاتی بسیار محدود و ناکافی است (روبرتز و همکاران، ۱۹۹۴). از این رو لازم است که مسئولین و ادارات مالیاتی اطلاعات جامعی را در خصوص مالیات در اختیار شهر وندان قرار دهند. علاوه بر آن عدالت و انصاف معیاری است که رفتار مالیاتی توسط شهروندان ارزیابی می‌شود (مورفی و ناگل، ۲۰۰۲). این موضوع ریشه در تئوری برابری آدامز دارد که طبق آن اگر مردم نسبت به نتایج و منابع از دست رفته را منصفانه بدانند، انگیزه ای است که مالیات دهندگان با عادلانه دانستن مبادله خود با دولت بهتر تمکین نمایند (کوچیاو کارنز، ۲۰۰۱).

تمکین مالیاتی بیانگر تمایلی است که مردم به پرداخت مالیات به مسئولین دولتی دارند (پیتر و دی جک، ۲۰۰۷) پرداخت مالیات به عنوان تامین‌کننده بخش مطمئنی از درآمد کشورها، نقش مهمی در تامین بودجه دولت‌ها دارد. عدم پرداخت مالیات و فرار مالیاتی از عمده‌ترین مشکلاتی هستند که کشورها با آن روبرو می‌باشند. در یک سیستم کارا فاصله بین درآمدهای بالفعل و بالقوه مالیاتی کمتر است و این نشان دهنده درجه تمکین مؤدیان مالیاتی می‌باشد (شیدائی، حکیمه، ۱۳۸۶). وظیفه

یک مدیریت مالیاتی کارآمد اقداماتی برای کاهش فرار مالیاتی و افزایش درجه تمکین مؤدیان است و سازمان امور مالیاتی به عنوان یکی از بخش‌های حاکمیتی دولت بایستی بتواند در راستای توسعه و سلامت اقتصادی به نحو کارا و عادلانه از نظر اجتماعی، مالیات جذب نماید (شیدائی، ۱۳۸۶، ۲).

از این رو در این تحقیق مسئله‌ای که به دنبال پاسخگویی به آن هستیم این است که رابطه دانش مالیاتی، عدالت ادراک شده مالیات تمکین مالیاتی مودیان مالیاتی در استان ایلام چگونه است.

دانش مالیاتی از عواملی است که بر عدالت ادراک شده مودیان مالیاتی و همچنین تمکین مالیاتی مودیان موثر می‌باشد و ارتقا دانش مالیاتی، سطح تمکین مالیاتی را بهبود می‌دهد، چونکه موجب درک مثبت تری از نظام مالیاتی ایجاد می‌کند (ریچاردسون و ساویر، ۲۰۰۱). شناخت سطح دانش مالیاتی مودیان و عدالت ادراک شده مالیاتی آن‌ها مزایایی دارد از جمله:

- درک روشن تری از انگیزه مودیان مالیاتی می‌دهد که مسولین می‌توانند در تدوین راهبردها و سیاست‌های مالیاتی خود به آن توجه نمایند.

- همچنین درک بیشتری از دانش مالیاتی مودیان پیدا می‌کنند و از دیدگاه مودیان مالیاتی نسبت به عدالت در سیستم مالیاتی آگاه می‌شوند که می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های آن‌ها کمک کند و با استفاده از این اطلاعات، مسولان حوزه مالیاتی می‌توانند راهبردهای مناسب تری را برای مبارزه با عدم تمکین مودیان مالیاتی تدوین نمایند. همچنین مسولان می‌توانند برنامه ریزی جامع آموزشی جهت ارتقا دانش مالیاتی مودیان مالیاتی تدوین نمایند. اهمیت این عوامل و میزان تاثیرگذاری آن بیانگر ضرورت انجام این پژوهش بوده و انجام پژوهش را بایسته ساخته است.

فرضیه‌های تحقیق

بین دانش مالیاتی و تمکین مالیاتی مؤدیان ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

بین دانش مالیاتی مؤدیان و عدالت ادراک شده مالیاتی ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

بین عدالت ادراک شده مالیاتی و تمکین مالیاتی مؤدیان ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

مبانی نظری

نظام مالیاتی

مالیات قسمتی از درآمد یا دارایی افراد است که به موجب قوانین و به منظور پرداخت مخارج عمومی، اجرای سیاست‌های مالی و حفظ منابع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، به وسیله اهرم‌های اداری و اجرایی دولت وصول می‌شود. گسترش و تنوع فعالیت‌های اقتصادی و همچنین نقش فزاینده دولت‌ها در ایجاد و گسترش خدمات عمومی، تأمین اجتماعی و گسترش تعهدات دولت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، پرداخت و دریافت مالیات را به مسأله‌ای مهم و تأثیرگذار تبدیل کرده است (آقایی، ۱۳۸۰).

کارکردهای اصلی ابزار مالیات را می‌توان به طور اصلی در تأمین درآمدهای عمومی کشور، گسترش عدالت (بازتوزیع ثروت)، تخصیص مجدد منابع، ثبات اقتصادی و تجهیز منابع مالی و تشکیل سرمایه برشمرد.

بدین ترتیب، مشخص می‌شود برخورداری از یک نظام مالیاتی کارآمد زمینه‌ساز تحقق اهداف چندگانه است. با این حال، هنگامی می‌توان نظام مالیاتی را کارآمد دانست که در جریان انتقال مالیات چهار نوع ویژگی رعایت شود (حبیبی، ۱۳۹۰).

۱- پرداخت‌ها در حد امکان با توان نسبی اشخاص حقیقی و حقوقی متناسب باشد، یعنی هر فرد با در نظر گرفتن کل درآمدهایش، رقمی به عنوان مالیات بپردازد.

۲- مقادیر مالیات قابل پرداخت، مشخص و قانونمند باشد و زمان و میزان پرداخت مالیات باید برای پرداخت‌کنندگان و سایر افراد قابل درک و مشخص باشد.

۳- زمان اخذ مالیات و روال دریافت آن به شیوه‌ای باشد که برای پرداخت‌کننده مالیات پایین‌ترین میزان فشار وارد آید و در عین حال حقوق دولت نیز از بین نرود.

۴- هزینه گردآوری مالیات تا حد امکان پایین نگه داشته شود و آنچه به صورت مالیات جمع‌آوری می‌شود به طور کامل در اختیار دولت و خزانه‌داری قرار گیرد.

در حال حاضر، عقلایی کردن نظام مالیاتی، به صورت یکی از چالش‌های اصلی در بسیاری کشورهای جهان سوم در آمده است و لذا اصلاح این نظام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (عرب مازار، ۱۳۷۵).

مالیات در واقع انتقال بخشی از درآمد جامعه به دولت و یا بخشی از سود فعالیت‌های اقتصادی است که نصیب دولت می‌گردد، زیرا ابزار وامکان‌ات دستیابی به درآمد ها و سودها را دولت فراهم ساخته است. در واقع با اجرای عادلانه قانون مالیات‌ها دولت آحاد مردم را به یک نوع پس انداز اجباری سوق می‌دهد. امروزه در کلی ترین تعریف از مالیات یک نوع هزینه اجتماعی به شمار می‌رود که افراد جامعه به تناسب استفاده از این هزینه های اجتماعی باید تقبل پرداخت آن را نمایند (دوانی، ۱۳۸۰).

مالیات مبلغی است که دولت از اشخاص، شرکتها، موسسات بر اساس قانون برای تقویت عمومی حکومت و تأمین مخارج عامه دریافت می‌دارد. افزون بر خصلت اجباری بودن، یک خصوصیت بارز دیگر مالیات در این است که رابطه صحیح دو طرفه یا متناسبی میان مالیات دریافتی و ارزشی خدمات عمومی که مالیات دهندگان از آن برخوردار می‌شوند، وجود ندارد (عرب زار، ۱۳۷۶، ۲۴).

ارزیابی نظام مالیاتی ایران

با توجه به اهمیت نظام مالیاتی و لزوم ارزیابی کارایی آن، شاخص های کمی متعددی تدوین شده است که نظام مالیاتی کشور ایران را با برخی از این شاخص ها مورد بررسی قرار داده تا توانمندی ها و ظرفیت‌های پنهان نظام مالیاتی کشورمان آشکار شود. یکی از مهمترین این شاخص ها در این زمینه شاخص نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی است. در کشورهای توسعه یافته درآمد مالیاتی یکی از مهمترین منابع درآمدی دولت هاست و به طور کلی تکیه بر درآمدهای مالیاتی نشانه ای از سلامت اقتصادی کشورهاست. با بررسی این شاخص در فاصله سالهای ۸۰ تا ۸۶ که در بازه ۵/۵ درصد تا ۷/۳ درصد در نوسان است، می‌توان به ظرفیت های کشور در این بخش پی برد. مطالعات نشان می‌دهد ظرفیت اقتصادی کشور رقمی بالاتر از این اعداد است. نکته‌ای که رئیس کل سازمان مالیاتی کشور نیز بر آن تأکید دارد و از ظرفیت ۱۲ تا ۱۵ درصدی در اقتصاد ایران سخن گفته است. البته در این میان نکته قابل توجه در بررسی و مقایسه این شاخص، تعریف درآمد مالیاتی در کشورمان و تفاوت آن با تعریف جهانی است چراکه در ایران سهم بیمه های پرداختی به تأمین اجتماعی، کسورات صندوق های بازنشستگی و عوارض پرداختی، در تعریف مالیات قرار نمی‌گیرند که با لحاظ این موارد به رقمی بیش از ۱۲ درصد می‌رسیم. مقایسه این رقم با ارقام مشابه در کشورهای هم‌مرده ایران نشان می‌دهد با تغییر در تعریف شاخص، وضعیت ایران بهبود چشمگیری پیدا می‌کند که این امر نشانگر سهم بالای بیمه های تأمین اجتماعی در ایران است. که با کنار گذاشتن آن، این نسبت به شدت کاهش می‌یابد. از همین رو مشخص است هر چند این نسبت در اقتصاد کشورمان پایین است، اما مردم ایران در ارقام پرداختی با دیگر کشورها تفاوت چندانی ندارند (حبیبی، ۱۳۹۰).

از دیگر شاخص ها، سهم درآمد مالیاتی از بودجه دولت است. یکی از مهم ترین نقش هایی که برای مالیات تعریف می‌شود، تأمین هزینه های جاری دولت است تا از این طریق، دولت از درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی بی‌نیاز شود. به این ترتیب مردم بیش از پیش در حاکمیت شریک می‌شوند و البته در مقابل، نظارت قوی تری نیز بر کار دولت ها خواهند داشت. بررسی این شاخص در کشور ایران حکایت از وضعیت نه چندان مطلوب دارد. در این بخش در فاصله سالهای ۸۰ تا ۸۷ این نسبت در بهترین شرایط به ۴۵/۵ درصد در سال ۸۶ رسیده است و حتی رقم ۳۴/۳ درصد را نیز در این مدت تجربه کرده است. هر چند بخشی از این درصد پایین، به مشکلات ساختاری نظام مالیاتی ایران باز می‌گردد، اما بخشی از آن نیز افزایش بهای نفت و در نتیجه درآمدهای نفتی دولت و بخشی دیگر به افزایش نسبی هزینه های دولت باز می‌گردد.

در کنار این شاخص ها، می‌توان به شاخص هزینه های وصول مالیات نیز اشاره کرد که به طور مستقیم کارایی نظام مالیاتی را به نمایش می‌گذارد. در حالی که این رقم در بسیاری از اقتصادهای پیشرفته جهان پایین تر از ۱ درصد است، در گزارشی که

در مرداد ماه سال ۸۷ از سوی کارگروه طرح تحول اقتصادی ارائه شد، این رقم در فاصله سال های ۸۰ تا ۸۶ در کشور ایران از ۱/۶ تا ۲/۴ درصد در نوسان بوده است که نشان از هزینه های بالای وصول مالیات در کشورمان دارد (حبیبی، ۱۳۹۰). دولتها معمولاً با سه هدف مبادرت به اخذ مالیات می نمایند:

مالیات به عنوان درآمدی برای پوشش دادن هزینه های دولت: به موجب این اصل که مردم در درآمد های دولتی سهیم اند، دولت وظیفه دارد تا سطح زندگی مناسبی برای همه افراد ایجاد نماید و حداقل نیازهای اولیه آنها را رفع نماید. منظور از نیازهای اولیه، خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده است. وصول مالیات گامی در جهت رفع نابرابریهای اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد: وصول مالیات براساس درآمد اشخاص می باشد پس اشخاصی که درآمد بیشتری دارند، مالیات بیشتری به آنها تعلق می گیرد و به خزانه دولت واریز می شود و از آنجا به بخشهایی چون صنعت و کشاورزی و غیره اختصاص می یابد.

رابطه مالیات با سیاست گذاری اقتصادی در مالیه عمومی: برای تحقق هدف های اقتصادی هر یک از مالیات های مستقیم می توانند نقش داشته باشند. وقتی صنایع نوپای کشور می توانند پیشرفت کنند و جای صنایع خارجی را بگیرند که دولت در اوایل تأسیس آنها را حمایت نموده و آنها را از گزند رقابت صنایع خارجی در امان نگهدارد (اعمال معافیت ماده ۱۳۲ قانون مالیاتهای مستقیم) دولت از طریق مالیاتهای غیر مستقیم به کلیه کالاهای خارجی که مشابه آن در داخل تولید می شوند حقوق و عوارض سنگینی ببندد در نتیجه قیمت آنها گران شده و بعلت عدم استقبال مردم، دیگر به کشور وارد نشوند و در مقابل صنایع داخلی را مادامی که قدرت کافی بدست نیاورده و محصولاتشان قدرت رقابت با کالاهای خارجی را ندارد از پرداخت مالیاتهای مستقیم معاف نماید، و به این طریق از آنها حمایت لازم را به عمل نماید (رسولی، ۱۳۸۱). هدف دیگر دولت جلوگیری از افزایش تورم است که دولت قدرت خرید مردم را در جامعه از طریق کاهش حجم پول در گردش، پایین آورد در این شرایط مالیاتهای مستقیم قادرند که مقداری از درآمد افراد را اخذ نموده و از تقاضای اضافی در جامعه بکاهند که خود وسیله مناسبی برای جلوگیری از افزایش بی رویه قیمتها می باشد. هدف دیگر اقتصادی دولت کنترل مصارف غیر ضروری است برای جلوگیری از مصارف غیر ضروری و کالاهای لوکس و تجملی که موجب زیانهای برای جامعه می باشد دولت می تواند از مالیاتهای غیر مستقیم استفاده نماید تا موجب گرانی قیمت این کالاها شده در نتیجه به دو هدف اساسی تحقق بخشد، اول اینکه گران کردن قیمت این نوع کالاها از مصارف غیر ضروری جلوگیری می کند و دوم اینکه از این طریق می تواند از کسانی که دارای ثروت زیاد بوده و همواره از پرداخت مالیات خودداری می کرده اند مقداری مالیات دریافت کند (رضایی و همکاران، ۱۳۸۱).

تمکین مالیاتی

معمولاً آن چه در تعریف تمکین مالیاتی گفته می شود عبارت است از رعایت قانون مالیاتی از سوی مؤدی. میزان عدم تمکین را با شکاف مالیاتی اندازه گیری می کنند. شکاف مالیاتی عبارت است از مالیات عملاً وصول شده منهای مالیاتی که در صورت تمکین کامل قابل تحصیل می باشد. این تعریف یک بیان ساده و سطحی از مسئله را ارائه می دهد. اداره موفق امور مالیاتی مستلزم آن است که مؤدیان به رعایت خشک عبارات قانون اکتفا نکنند، بلکه روح قانون را نیز مورد توجه قرار دهند. با این توضیحات تعریف بهتر تمکین مالیاتی عبارت است از پایبندی به متن و روح قانون مالیاتی (کمالی و شفیع، ۱۳۹۰).

علت نپرداختن مالیات

- ۱- برخی براین باوراند که علت فرار از پرداخت مالیات را باید در عدم شناخت اهمیت و ضرورت مالیات جستجو کرد پس اگر شناخت کافی و وافی از مالیات داشته باشند رفتاری بهتر و معمول تر نسبت به آن خواهند داشت.
- ۲- برخی بر این عقیده هستند که چون بعد از حکومت حضرت علی(ع) همه حکومت ها، حکومت ظلم جور بوده و پرداخت مالیات کمک به تحکیم آن حکومتها تلقی می شده و مراجع عظام و علمای دین مردم را از دادن مالیات نهی می کردند. لذا انگیزه فرار مالیات به صورت یک امر دینی در آمده و با سایر امور شرعی گره خورده و به شکل نوعی خصلت و طبیعت ثانوی یا عادت در آمده است.

۳- عده‌ای می‌گویند چون مکانیزم‌های بایسته و درستی در اقتصاد کشور تعبیه نشده و امکان ردیابی و شناسایی و تثبیت در آمده‌ها و مقاطع ایجاد آنها وجود ندارد، لذا کتمان درآمد واقعی و به تبع آن فرار از پرداخت مالیات برای صاحبان درآمدهای سرشار به راحتی میسر است.

۴- دسته‌ای دیگر وجود نرخ‌های بالای مالیاتی را انگیزه فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات می‌دانند. به عقیده این دسته به علت نرخ‌های نهایی بالا، افراد در جهت کتمان معاملاتی که درآمد زیادی برای آنها ایجاد می‌کند تحریک می‌شوند. این فعالیت‌ها به دو صورت انجام می‌شود شکل اول این است که معاملات به صورت پایاپای انجام می‌گیرد و پولی رد و بدل نمی‌شود و در جایی نیز ثبت نمی‌شود تا امکان ردیابی آن برای مأموران تشخیص وجود نداشته باشد و شکل دوم بدین نحو است که مؤدیانی که به صورت مقطعی فعالیت خاصی را انجام می‌دهند به سادگی از گزارش آن به مأموران تشخیص مالیات طفره می‌روند.

۵- دسته‌ای از دست اندرکاران، تقابل و عدم تفاهم و اعتماد فی مابین مأموران تشخیص و مؤدیان مالیاتی را علت اصلی فرار از مالیات می‌دانند (حبیبی، ۱۳۹۰).

مؤدیان مالیاتی بر این باورند که حتی اگر درآمدهای واقعی خود را در دفاتر ثبت و اسناد و مدارک مربوط به آن را مطابق با واقع تنظیم و تحریر نمایند و درآمد مشمول مالیات واقعی را در اظهارنامه مالیاتی ابراز دارند بازهم مورد قبول مأموران تشخیص مالیات قرار نخواهند گرفت و آنان اصل را بر عدم صحت این اظهارات خواهند گذاشت و لذا سعی می‌کنند که دفاتر قانونی و اظهارنامه متکی به آن را طوری تنظیم کنند که مأموران تشخیص قادر به دست‌یابی به واقعیت امر نباشند و مالیات واقعی آنان را تشخیص ندهند و از طرفی مأموران تشخیص نیز عقیده دارند که مؤدیان مالیاتی اعتقادی به پرداخت مالیات ندارند و سعی در کتمان درآمد واقعی خود دارند و برای این کار دست به هر حيله‌ای می‌زنند و حتی گاهی برخی از آنان دفاتر مخصوصی برای ارائه به سازمان مالیاتی تنظیم می‌کنند. وقتی این بینش‌ها مدتها در طرفین ادامه یابد فرهنگ فرار از مالیات به جای فرهنگ پرداخت داوطلبانه مالیات ریشه می‌گیرد و در نتیجه در آوردن این ریشه به مدتها وقت نیاز دارد.

۶- عامل دیگر را می‌توان تبعیض در تشخیص مالیات برای مؤدیان دانست. در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که برای مؤدیان با درآمدهای تقریباً یکسان مالیاتی متفاوت تشخیص داده می‌شود که علت آن را می‌توان در عدم وجود مستندات کافی جهت تشخیص مالیات و عدم تخصص مأموران مالیاتی دانست.

تشویقات و تسهیلات مالیاتی

سازماندهی و اعمال مدیریت مطلوب بوسیله وزارتخانه‌ها و نهادهای مختلف برای اجرای هر چه بهتر وظایف محوله قانونی امری لازم و اجتناب ناپذیر است. در خصوص مالیات‌های مستقیم، قالب تشکیلات سازمانی و روشهای اجرایی مقررات و چگونگی ایجاد تسهیلات ضروری برای مؤدیان بمنظور جلب همکاری هرچه بیشتر آنها در قانون مالیات‌های مستقیم پیش بینی گردیده که وزارت امور اقتصادی و دارایی باید با بکارگیری این قواعد و بهره‌جوئی از قانون و مقررات استخدام کشوری و دیگر روشهای شناخته شده اداری و تشکیلاتی و رعایت سایر مقررات، سیستمی برقرار نماید تا مؤدیان با ابراز حسن نیت و رغبت کامل و در عین حال با برخورداری از مناسبترین امکانات و تشویقات مالیاتی نسبت به ایفای وظایف قانونی خود در پرداخت مالیات اقدام کنند.

عمده تشویقات و تسهیلات مقرر در قانون مالیات‌های مستقیم بقرار زیر است:

۱- مأخذ ارزیابی املاک برای تعیین مالیات بر انواع دارائیها و ارث و مالیات نقل و انتقال قطعی املاک و مالیات بر درآمد اتفاقی، ارزش معاملاتی املاک است که هر سال بوسیله کمیسیون تقویم املاک تعیین می‌گردد. وجود ارزش معاملاتی مسئله اعمال نظر و سلیقه شخصی مأموران را در تشخیص مالیات منتفی می‌نماید.

۲- علاوه بر آنکه در قانون مذکور تقریباً تمامی نهادهای عمومی و انقلابی و موقوفات عام و موسسات مذهبی و عام المنفعه با شرط رعایت پاره‌ای مقررات از پرداخت مالیات معاف شناخته شده‌اند و معافیت‌های خاص دیگری هم بمنظور رعایت عدالت مالیاتی و توجه به توان پرداخت مؤدیان در فصول مختلف برقرار گردیده، طبق ماده ۱۷۲ آن قانون اجازه داده شده است که اگر

مؤدیان وجوهی را به حسابهای تعیین شده از طرف دولت برای بازسازی و کمک و نظایر آنها پرداخت و یا به احداث و تعمیر و تجهیز مراکز آموزشی و بهداشتی و فرهنگی و هنری و غیره اقدام نمایند، وجوه پرداختی و یا مخارج اقدامات مذکور بر اساس ضوابط خاصی از درآمد مشمول مالیات آنان کسر گردد.

۳- قانون مذکور تا حد امکان وصول مالیات مضاعف از مؤدیان را (حتی در مواردی که مالیات به دولت خارج پرداخت شده باشد) منع و استرداد اضافه پرداختی را تجویز نموده است.

۴- مؤدیانی که مکلف به نگهداری دفاتر قانونی هستند، چنانچه طی سه سال متوالی صورتهای مالی تسلیمی آنان مورد قبول قرار گرفته و مالیات هر سال را در سال تسلیم اظهارنامه بدون مراجعه به هیئت های حل اختلاف مالیاتی پرداخت کرده باشند، معادل نیم درصد اصل مالیات سه سال مذکور بعنوان جایزه خوش حسابی به آنان پرداخت و یا در حساب سنوات بعد آنان منظور خواهد شد.

۵- معادل یک درصد از مالیاتهای پرداختی مؤدیان در هر ماه قبل از سررسید مقرر بعنوان جایزه خوش حسابی از بدهی مالیاتی آنان کسر خواهد شد (رزاقی، ۱۳۸۸، ۲۷).

۶- طبق تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون مالیاتهای مستقیم مؤدیانی که به تکالیف قانونی خود راجع به تسلیم به موقع اظهارنامه یا ترازنامه و حساب سود و زیان و پرداخت یا ترتیب دادن پرداخت مالیات طبق اظهارنامه و حساب سود و زیان و حسب مورد ارائه به موقع دفاتر و اسناد و مدارک خود اقدام نموده اند، هرگاه برگ تشخیص مالیات صادره راقبول یا با اداره امور مالیاتی توافق نمایند و نسبت به پرداخت مالیات متعلقه یا ترتیب دادن پرداخت آن اقدام کنند از هشتاد درصد جرایم مقرر در این قانون معاف خواهند بود و همچنین در صورتی که این گونه مؤدیان ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ برگ قطعی مالیات نسبت به پرداخت یا ترتیب دادن پرداخت آن اقدام نمایند از چهل درصد جرایم متعلقه مقرر در این قانون معاف خواهند بود.

۷- بر اساس مفاد ماده ۱۹۱ قانون مالیاتهای مستقیم تمامی یا قسمتی از جرایم مقرر در این قانون بنا به درخواست مؤدی با توجه به دلایل مبنی بر خارج از اختیار بودن عدم انجام تکالیف مقرر و با در نظر گرفتن سوابق مالیاتی و خوش حسابی مؤدی به تشخیص و موافقت سازمان مالیاتی کشور قابل بخشوده شدن می باشد.

۸- طبق مفاد ماده ۱۶۷ قانون مالیاتهای مستقیم وزارت امور اقتصاد و دارایی یا سازمان امور مالیاتی کشور می تواند نسبت به مؤدیانی که قادر به پرداخت بدهی مالیاتی خود اعم از اصل و جریمه بطور یک جا نیستند از تاریخ ابلاغ مالیات قطعی بدهی مربوط را حداکثر به مدت ۳ سال تقسیط نماید.

عدالت مالیاتی

دولت برای برقراری عدالت در اقتصاد نباید نیازی به نفت داشته باشد و باید برای تأمین درآمد خود مالیات وصول کند و اضافات آن را به نفع طبقات پایین هزینه کند. باید از فعالیت هایی که تولیدی نیست و حتی فعالیت تولیدی ناکارآمد اعم از خانه سازی ها، خرید و فروش ها، سفته بازی و دلال بازی که درآمد گزافی برای عده ای ایجاد کرده و به دلیل تأثیر در کاهش فعالیت های تولیدی و اقتصادی برای کل اقتصاد زیان آور است، مالیات بگیرد و اجازه انجام این فعالیت ها را ندهد. عدالت و شکوفایی اقتصادی از رهگذر دریافت عادلانه مالیات بوجود می آید. با ادامه روند کنونی فقرا، کارمندان و کم درآمدها با پرداخت مالیات به دولت احساس می کنند که در حق آنها اجحاف می شود، زیرا شاهدند عده ای که درآمد بالایی دارند از پرداخت مالیات سر می زنند و دولت نیز در مقابل آنها نرمش نشان می دهد. لذا اصلاح ساختار نظام مالیاتی در جهت نیل به عدالت مالیاتی مهم بنظر می رسد (رسولی، ۱۳۸۱).

اشاعه فرهنگ مالیاتی

برای حسن اجرای قانون اگرچه وجود ضمانت اجراء و مدیریت و سازماندهی مطلوب و رعایت اصول مالیاتی شرط لازم به حساب می آیند اما این شرایط کافی نخواهند بود، بلکه فرهنگ و بینش و اعتقاد مؤدیان و مأموران مالیاتی در انجام دقیق وظایف مالیاتی نقش بسزائی خواهد داشت. مأموران مالیاتی را باید در مواجهه با مؤدیان بتوانند در فکر و اندیشه آنان تأثیر



بگذارند. مؤدیان نیز باید مستمراً از طریق مطبوعات و صدا و سیما و سایر رسانه های گروهی نسبت به انجام وظایف قانونی راهنمایی شوند، حتی اهمیت مالیات امروزه ایجاب می نماید که مباحثی از مالیات در دروس دبیرستانی دانش آموزان گنجانیده شود (رزاقی، ۱۳۸۸، ۲۹).

تا مردم از سنین نوجوانی با این عنصر اجتماعی و اقتصادی آگاهی داشته و با مشاهده نتیجه سیاستهای مالی دولت با میل و رغبت بیشتری با مأموران مالیاتی همکاری نمایند اهمیت فرهنگ مالیاتی بخصوص در دهه اخیر مورد توجه وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار گرفته و ضمن انتشار فصلنامه ای به نام مالیاتکه توسط دانشکده امور اقتصادی صورت می گیرد، بعضاً در حدود امکانات موجود اقدام به نشر آگهی ها و تبلیغات مالیاتی از طریق دفتر روابط عمومی و ارشاد نیز می نماید.

مشارکت مؤدیان مالیاتی

طراحی، برنامه ریزی و اجرای سیاست های مشارکت مؤدیان مالیاتی نیازمند توجه به الزامات و پیش شرطهایی است. به نظر می رسد دقت و عمل کردن به جای برخی از این الزامات در راهکارها می تواند به پیشرفتهای فزاینده ای در زمینه کیفیت بخشی به قوانین و مقررات، ارائه تسهیلات به مؤدیان مالیاتی و غیره که همگی در رسیدن به آن اتفاق نظر دارند منجر شود. یکی از موارد مهم در این زمینه بررسی و تدوین طرح جامع برنامه مشارکت مؤدیان مالیاتی می باشد. در حال حاضر به دلیل فقدان استراتژی کلان، سیاست مشارکت مؤدیان فاقد طرح جامع زمان بندی شده و مراحل اجرایی است در نتیجه وظایف بخشهای گوناگون و نیز نقش های متفاوت ستاد به درستی معلوم نیست، از سوی دیگر نبود این طرح جامع بررسی و نقد این سیاست را نیز به طور عملی ناممکن می سازد. در صورت استفاده از مشارکت مؤدیان مالیاتی، تأثیر مثبتی در تصمیم گیری ها و فعالیت ها بوجود خواهد آمد. مسئولیت پذیری مؤدیان، اعتماد به نفس داشتن کارکنان، بالا بردن عملکرد سازمان و خوشنودی بالای مؤدیان از جمله تأثیر مدیریت مشارکتی بر کارایی سازمان می باشد (حبیبی، ۱۳۹۰).

پیشینه تحقیق

پژوهشهای داخلی

محمدی (۱۳۸۵) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان بررسی عوامل موثر بر تمکین مودیان مالیاتینقش عوامل افزایش سواد مالیاتی، اعمال جرائم مالیاتی، اشاعه و گسترش دفاتر مشاوره مالیاتی، و تقویت توان تحقیق و رسیدگی را در اداره مالیات، بر تمکین مالیاتی توسط مودیان بررسی نموده است.

در پایان نامه کارشناسی ارشد حجتی پور (۱۳۸۵) با عنوان بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی واحدهای شرق تهراننقش عوامل ایجاد بانک اطلاعاتی مودیان مالیاتی، افزایش سطح آگاهی مودیان در خصوص چگونه هزینه شدن مالیات در کشور، افزایش ضمانت اجرایی قوانین، ویکسان سازی تشخیص مالیات مودیانی که در یک سطح درآمدی هستند جهت جلوگیری از فرار مالیاتی بررسی شده اند.

رضایی و نعیمی حکشویایی (۱۳۸۶) در پژوهشی به بررسی تاثیر اصلاحات جرایم مالیاتی(افزایش جرایم مالیاتی در اصلاحیه بهمن ۱۳۸۰ قانون مالیاتهای مستقیم) در قانون مالیاتهای مستقیم بر تمکین مالیاتی پرداختند و نتایج پژوهش آن ها بیانگر اثر مثبت اصلاحات جرایم مالیات در قانون مالیات های مستقیم بر تمکین مالیاتی، خوداظهاری و شفاف سازی اطلاعات مالی است.

رسولی شمیرانی و اسدزاده بالی (۱۳۸۶) به بررسی عوامل موثر بر فرهنگ مالیاتی به عنوان یک عامل موثر بر تمکین داوطلبانه مالیاتی پرداختند. به موجب نتایج این بررسی داشتن فرهنگ مالیاتی مطلوب مستلزم اصلاح فرهنگ سازمانی از دو بعد درون سازمانی و برون سازمانی است.

عاملی و همکاران (۱۳۸۶) اثر اعتماد عمومی نسبت به نحوه تخصیص و مصرف مالیات بر تمکین مالیاتی از دیدگاه خبرگان مالیاتی، ماموران و مودیان مالیاتی را از دو بعد درون سازمانی و برون سازمانی بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که

بین اعتماد عمومی ناشی از آگاهی نسبت به نحوه مصرف مالیات و تمکین مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که هرچه سطح پاسخگویی به درآمدهای مالیاتی افزایش یابد، میزان تمکین مالیاتی از سوی مودیان مالیاتی نیز افزایش می‌یابد. عسکری فرد (۱۳۸۶) تاثیر کیفیت خدمات ارائه شده توسط سازمان مالیاتی بر تمکین داوطلبانه مودیان مالیاتی را با استفاده از مدل پاراسورمان در شرکت های غیر دولتی فعال در شهر تهران بررسی کرده است نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که با افزایش کیفیت خدمات از جانب سازمان امور مالیاتی کشور می‌توان شاهد افزایش تمکین داوطلبانه مودیان مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی بود.

موسوی جهرمی و همکاران (۱۳۸۸) طی پژوهشی نشان دادند که با افزایش پرداخت های هزینه ای مشمول مالیات بر ارزش افزوده، فرار مالیاتی افزایش و تمکین مالیاتی کاهش خواهد یافت.

زایر (۱۳۸۸) معتقد است که پیچیدگی نه تنها روی هزینه های تمکین داوطلبانه مالیات دهندگان و فرار مالیاتی اثرگذار است بلکه مانع بزرگی در برابری و کارایی سیستم مالیات بر درآمد قلمداد می‌شود که مقوله ای فراتر از هزینه های اداری و تمکین است. از این رو یکی از چالش های اساسی نظام مالیاتی کشور ساده سازی مالیات در مفهوم کلی وساده سازی قوانین و مقررات مالیاتی در مفهوم محدود آن است.

در پایان نامه کوزه گزکالجی (۱۳۸۳) با عنوان بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی از دیدگاه ممیزان مالیاتینقش عوامل طرح جامع مالیاتی، مستندسازی معاملات اقتصادی، عادلانه کردن برخی از نرخ های مالیاتی لزوم آموزشهای مستمر مالیاتی، وجرائم و معافیت های مالیاتی در جلوگیری از فرار مالیاتی بررسی شده‌اند.

عاملی و همکاران (۱۳۸۶)، اثر اعتماد عمومی نسبت به نحوه تخصیص و مصرف مالیات بر تمکین مالیاتی از دیدگاه خبرگان مالیاتی، ماموران و مودیان مالیاتی را از دو بعد درون سازمانی و برون سازمانی بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین اعتماد عمومی ناشی از آگاهی نسبت به نحوه مصرف مالیات و تمکین مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که هر چه سطح پاسخگویی به درآمدهای مالیاتی افزایش یابد، میزان تمکین مالیاتی از سوی مودیان مالیاتی نیز افزایش می‌یابد. پژوهشی در کره جنوبی، پارک و هایون (۲۰۰۳) با انجام بررسی بر روی داده‌های تجربی نشان دادند که سطح درآمد مودیان بر درجه تمکین آن ها اثرگذار نیست. همچنین، حسابرسی مالیاتی و جرایم عوامل بسیار مهم جلوگیری از فرار مالیاتی محسوب می‌شوند که جرایم در مقایسه با حسابرسی مالیاتی موثرتر است. افزون بر این، آن ها بیان کردند که مودیان تمایل به سواری مجانی داشته و آموزش به مودیان در زمینه مالیات ابزاری کارآمد به منظور تحریک مالیات دهندگان جهت تمکین است که نتایج این پژوهش هم در راستای آن هدف است.

نتایج پژوهش ریاحی بلکویی (۲۰۰۴)، مبتنی بر داده‌های به دست آمده از سی کشور دنیا بیانگر این است که در سطح بین المللی، تمکین مالیاتی با میزان آزادی اقتصاد، سطح اهمیت بازار واحد تجاری و کارایی قوانین رقابتی و ارزش های اخلاقی مرتبط است و این نشان دهنده این واقعا می‌تواند باشد که ادعای پژوهش حاضر ثابت می‌شود.

پژوهش‌های خارجی

گامینگس و همکارانش (۲۰۰۵) در مقاله خود تحت عنوان اثرات روحیه مالیاتی نسبت به تمکین مالیاتی بیان می‌کند که کوشش‌های اجباری سازمان مالیاتی می‌تواند تمکین مالیاتی را افزایش دهد.

مورفی (۲۰۰۸) در مقاله‌ای تحت عنوان وادار کردن به تمکین مالیاتی: تنبیه کردن یا تشویق کردن اشاره می‌کند که دو استراتژی برای تمکین وجود دارد: اولین مبتنی بر تنبیه کردن و دومی مربوط به تشویق کردن.

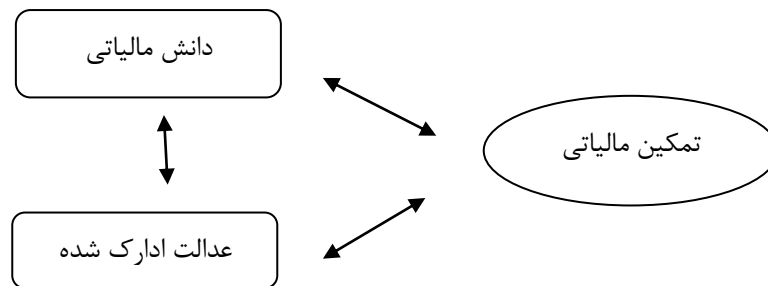
لوراسور (۲۰۰۴) در مقاله خود با عنوان یک مدل اقتصادی از تمکین مالیاتی با تاکید بر اخلاق شخصی و گروهی هر دو نوع عامل اخلاق شخصی و اجتماعی تمکین را بررسی کرده است. وی بیان می‌کند نرخهای بالای مالیات باعث افزایش فرار مالیاتی شده و همچنین مودیان هنگامی که دریابند در جامعه افراد زیادی هستند که نسبت به مالیات خود تمکین نمی‌کنند، آنها نیز اقدام به فرار مالیاتی می‌نمایند.

چان و همکاران (۲۰۰۰) به بررسی اثر تفاوت های فرهنگی و ساختار نظام مالیاتی بر تمکین مالیاتی هنگ هنگ و ایالات متحده امریکا پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که تلاش در راستای بهبود تمکین مالیاتی باید متناسب با سیستم مالیاتی و فرهنگ حاکم بر مالیات دهندگان باشد.

پارک و هایون (۲۰۰۳) با بررسی بر روی داده‌های تجربی نشان دادند که سطح درآمد مودیان بر درجه تمکین آن ها اثرگذار نیست. همچنین، حسابرسی مالیاتی و جرایم عوامل بسیار مهم جلوگیری از فرار مالیاتی محسوب می شوند که جرایم در مقایسه با حسابرسی مالیاتی موثرتر است. افزون بر این، آن ها بیان کردند که مودیان تمایل به سواری مجانی داشته و آموزش به مودیان در زمینه مالیات ابزاری کارآمد به منظور تحریک مالیات دهندگان جهت تمکین است.

نتایج پژوهش ریاحی بلکویی (۲۰۰۴)، مبتنی بر داده های به دست آمده از سی کشور دنیا بیانگر این است که در سطح بین المللی، تمکین مالیاتی با میزان آزادی اقتصاد، سطح اهمیت بازار واحد تجاری و کارایی قوانین رقابتی و ارزش های اخلاقی مرتبط است.

مدل مفهومی تحقیق



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

این تحقیق، تلاشی سیستماتیک و روشمند بمنظور کسب پاسخ مناسب برای مسائلی است که عصاره آن در فرضیات تحقیق ارائه شده است. بنابراین براساس کاربردی می باشد و از حیث روش یک تحقیق توصیفی- همبستگی است. جامعه آماری مودیان مراجعه کننده به ادارات مالیاتی استان ایلام می باشند و به علت محدودیت هزینه و دسترسی به کل جامعه از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شده است. با توجه به بزرگی جامعه آماری برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران تعداد $n=308$ بدست آمد که برای اطمینان، ۳۳۸ پرسشنامه توزیع و جمع آوری شد. ابزار مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات و داده ها، پرسشنامه، تحقیقات کتابخانه ای، مصاحبه و بکارگیری اسناد و مدارک موجود در ادارات مالیاتی استان ایلام می باشد که هر کدام از این ابزارها برای قسمتی از کار محقق و جمع آوری داده های خاص بکار رفته اند. پرسشنامه حاوی دو بخش اطلاعات جمعیت شناختی و سوالات متغیرهای دانش مالیاتی مودیان، عوامل فرهنگی - اجتماعی و ساختاری، عملکردی، مدیریتی، می باشد که با استفاده از مقیاس لیکرت مبادرت به گردآوری داده ها شد.

روائی سوالات پرسشنامه از طریق نظرات اساتید، کارشناسان بررسی شد همچنین به منظور حصول اطمینان بیشتر جهت محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه گیری و تعیین دقت اندازه گیری از روش برآورد ضریب فرمول آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون کرونباخ

۸۷۷ .۰	سوال ۳۸
۸۷۱ .۰	تمکین مالیاتی

۷۶۶ .۰	دانش مالیاتی
۸۴۴ .۰	عدالت مالیاتی ادراک شده

یافته‌های پژوهش

فرضیه اول

بین دانش مالیاتی و تمکین مالیاتی مؤدیان ارتباط معنی داری وجود دارد.

جدول ۲. نتایج آزمون همبستگی برای فرضیه اول

نتیجه آزمون	معناداری	ضریب همبستگی	همبستگی
رد H_0	۰/۰۰۰	۰/۹۵**	دانش مالیاتی و تمکین مالیاتی

نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای فرضیه اول نشان داد که در سطح خطای برآورد شده ($\text{sig}=0/000$) از سطح خطای در نظر گرفته شده ($\alpha=0/05$) کمتر است بنابراین بین دانش مالیاتی و تمکین مالیاتی مؤدیان با ضریب $0/95$ رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم

بین دانش مالیاتی مؤدیان و عدالت ادراک شده مالیاتی ارتباط معنی داری وجود دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی برای فرضیه دوم

نتیجه آزمون	معناداری	ضریب همبستگی	همبستگی
رد H_0	۰/۰۰۰	۰/۹۹**	دانش مالیاتی و عدالت ادراک شده مالیاتی

نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای فرضیه دوم نشان داد که در سطح خطای برآورد شده ($\text{sig}=0/000$) از سطح خطای در نظر گرفته شده ($\alpha=0/05$) کمتر است بنابراین بین دانش مالیاتی و عدالت ادراک شده مالیاتی با ضریب $0/99$ رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم

بین عدالت ادراک شده مالیاتی و تمکین مالیاتی مؤدیان ارتباط معنی داری وجود دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی برای فرضیه سوم

نتیجه آزمون	معناداری	ضریب همبستگی	همبستگی
رد H_0	۰/۰۰۰	۰/۹۵**	عدالت ادراک شده مالیاتی و تمکین مالیاتی

نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای فرضیه سوم نشان داد که در سطح خطای برآورد شده ($\text{sig}=0/000$) از سطح خطای در نظر گرفته شده ($\alpha=0/05$) کمتر است بنابراین بین عدالت ادراک شده مالیاتی و تمکین مالیاتی مؤدیان با ضریب $0/95$ رابطه معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان داد که بین دانش مالیاتی و عدالت ادراک شده مالیاتی و تمکین مالیاتی همبستگی معناداری وجود دارد.

از جمله منابع درآمدی برای هر کشوری مالیات می‌باشد. فلسفه اخذ مالیات برای تامین بخشی از هزینه‌هایی است که دولت برای آبادانی و پیشرفت کشور و انجام فعالیت‌های عمرانی چون سد سازی، آبرسانی، ساخت بیمارستان، ورزشگاه، دانشگاه، مدرسه و... متحمل می‌شود. امروزه دیگر مالیات جزئی از زندگی اجتماعی شده است.

باید اذعان داشت ساختار اقتصادی کشور ایران یک ساختار پیچیده و عمدتاً متکی بر درآمدهای نفتی می‌باشد. سهم نظام مالیاتی در سال جهاد اقتصادی قابل تامل است. چرا که سهم مالیات ما در تولیدات ناخالص داخلی بسیار اندک و با شاخصه‌های بین المللی فاصله درخور توجهی دارد در این بین افزایش منابع مالیاتی باعث کاهش اتکا به منابع نفتی خواهد شد که این مسئله خود عاملی در جهت پیشرفت و سازندگی کشور می‌تواند باشد. بنابراین تحول نظام مالیاتی به عنوان یکی از بسته‌های تحول نظام اقتصادی در کشور ایران محسوب می‌شود. از محورهای تحول نظام مالیاتی می‌توان به اصلاح قانون مالیات مستقیم، طرح جامع مالیاتی و مالیات بر ارزش افزوده اشاره نمود. بی تردید فضای اقتصادی امروز با سال‌های گذشته تفاوت عمده‌ای پیدا کرده است. لذا قانون فعلی که قریب به پنج دهه پیش تصویب و تدوین گشته با واقعیت‌های اقتصادی کنونی سازگار نمی‌باشد و نیاز به تصویب قانون جدید و مبتنی بر ساختار امروزین اقتصاد به شدت محسوس می‌باشد که در طرح تحول نظام اقتصادی و مالیاتی بدان توجه گشته است. از دیگر سو، نظام مالیاتی یک نظام یکپارچه و ملی است که با بازشناسی صحیح مودیان مالیاتی، بهتر می‌توان عدالت مالیاتی را تامین و تضمین نمود. تامین عدالت مالیاتی و تحقق صددرصدی هزینه‌های جاری کشور از طریق مالیات که به عنوان هدف عمده تحول نظام مالیاتی بدان اشاره گشته است، نیازمند بسترها و زمینه‌هایی می‌باشد. نخست اینکه برنامه‌های آموزشی در حوزه اخذ مالیات می‌بایست به امر فرهنگ سازی مالیات مبادرت ورزد. همچنین نظام مالیاتی می‌بایست مبتنی بر شفافیت و تدوین قوانین صحیح و آسان باشد. در نظام مالیاتی کشور ما، دو شق مالیات وجود دارد. نخست، مالیات اسلامی همانند خمس و زکات و دوم، مالیات متعارف که طبق قانون از فعالان اقتصادی اخذ می‌شود. برای مالیات‌های اسلامی، تنها الزام شرعی وجود دارد و برای مالیات‌های متعارف که در کشورهای دیگر نیز رایج است، الزام قانونی و حکومتی وجود دارد. از این رو در اقتصاد کشورمان ظرفیت مالیاتی لازمه برای رسیدن به شاخص‌های پیش‌بینی شده توسط قانون وجود دارد. ولی آنچه که دچار نارسایی است، ابزارهای اخذ مالیات، نحوه شناسایی فعالان اقتصادی و نحوه احتساب مالیات است. در کشور ایران نظام مالیاتی، یک نظام خود اظهاری و بر مبنای اعتماد بر فعالان اقتصادی است. از این رو فرهنگ سازی در زمینه پرداخت مالیات می‌تواند به ارائه اظهارنامه‌های مالیاتی واقع‌گرایانه از سوی افرادی که از لحاظ اقتصادی تحرک دارند و فعال اقتصادی به شمار می‌آیند نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید. همچنین این سیستم مالیات خود اظهاری، نیاز به تعامل دو طرفه مبنی بر احترام و صداقت فعالان اقتصادی و مودیان مالیاتی می‌باشد. از سوی دیگر طرح اظهارنامه‌های الکترونیکی می‌تواند در جهت صرفه جویی در زمان و کاهش ترافیک مفید و مثمر ثمر واقع گردد. از دیگر مزایای نظام مالیاتی در کشور ما این است که بنیادهای خیریه ثبت شده که در زمینه آموزشی و خیریه فعالیت می‌نمایند، از پرداخت مالیات معاف می‌باشند که این مسئله به ترغیب بیشتر همگان به انجام فعالیت‌های انسان دوستانه و خیرخواهانه می‌انجامد. عامل دیگری که باعث ترغیب عمومی به پرداخت مالیات می‌شود آن است که می‌بایست مردم آثار مفید مالیات را محسوس تر مشاهده نمایند تا بیشتر به پرداخت مالیات متمایل گردیده و هر کسی سهم مالیاتی خود را به طور منصفانه بپردازد. که در این راستا رسانه‌های گروهی می‌بایست بیش از پیش در به تصویر کشیدن آثار مثبت پرداخت مالیات، تکاپو و پویایی از خود نشان دهند.

روش‌های کارآمد تمکین مالیاتی، بر این فرض محدود شده‌اند که مودیان مالیاتی تلاش می‌کنند، درآمدهای خود را به حداکثر برسانند و دیگر نگران عدالت و سایر قضایا نمی‌باشند. متأسفانه روش‌های تمکین فقط بر درآمدهای اشخاص تمرکز دارند و کار چندانی بر سطح آگاهی افراد نسبت به درآمد گروه‌های اجتماعی که با همین مالیات‌ها قوت می‌گیرند یا به طور وسیع‌تر با درآمد کل جامعه، انجام نمی‌دهند. اما باید در اینجا اشاره کنیم که تلقی افراد نسبت به مقوله عدالت، به صورت فردی یا گروهی یا اجتماعی می‌تواند بر چگونگی پرداخت مالیات توسط آنها تأثیر گذار باشد. در بُعد فردی، مردم تنها به نحوه‌ی اجراء عدالت درباره‌ی درآمد شخصی خود فکر و عمل کنند. طرز تفکر واحدهای دریافت کننده به درآمد و منفعت حاصله از راه

مالیات به گونه‌ای فردی است و مردم اهداف خاص فردی را دنبال می‌کنند و در مسیری گام بر می‌دارند که احساس می‌کنند استحقاقش را دارند. تعریف ریز عدالت عبارتست از قوانینی که هر شخص باید بر اساس وضع و برآورد مالیاتی خودش رفتار کند. پایه‌ی این قوانین به این گونه است که نباید شهرت افراد را مبنای تخصیص مالیات در نظر گرفت، برای مثال نرخ مالیاتی یکنواخت به این مفهوم است که برای هر یک از واحدهای اجتماعی باید سهم‌های مساوی آنهم بدون توجه به تفاوت‌های فردیشان تخصیص داد (یعنی تساوی حقوق). بنابراین، طبیعت مستقل قوانین برای تعریف این نوع عدالت به کار گرفته شده، امری ضروری است و توجه و محوریت بر افراد را به عنوان عدالت ضروری می‌سازد و توجه به افراد را به عنوان واحد دریافت کننده و ارزیابی آنها را بر اساس شایستگی‌شان برای تأمین هدفی خاص در نظر دارد. در بعد گروهی، افراد عدالت را به عنوان یک در آمد گروهی تلقی می‌کنند. در این نگرش، گروه‌ها به عنوان واحدهای دریافت کننده می‌باشند و مردم اهداف خاص گروهی را دنبال می‌کنند (در اکثر این موارد گروه‌ها خودشان را به واسطه‌ی افرادشان معرفی می‌کنند) و در راهی گام می‌نهند که احساس می‌کنند گروهی که به آن تعلق دارد سزاوار آن است. این قبیل شایستگی‌های می‌تواند بر اساس قوانین باشد و رفتار مالیاتی افراد ذیربط یا همان گروه‌های هدف را توضیح دهد. متناوباً، لیاقت و صلاحیت گروه‌ها می‌تواند اساس قوانینی که جنبه‌ی خاصی از تقسیم‌بندی مالیاتی دارند را به عنوان یک تعریف پوشش دهد. برای مثال یک قانون می‌تواند بار مالیاتی را به طور خاصی به حداکثر برساند (مانند نرخ مالیات) هر گروهی نیز بایستی این بار را تحمل کند به این مفهوم که فرض شده است که گروه‌های هدف اصلی، شایستگی حمل این بار را دارند. بدین وسیله با استفاده از محرومیت‌های نسبی انجام شده می‌توان تفاوت‌های بین محرومیت‌های گروهی و فردی را بهتر درک کرد.

در مواردی که فرد تسهیلات خاص را دریافت می‌کند (مانند یک حرفه) می‌تواند به عنوان یک فرد از گروه اجتماعی تلقی شود و یک شخص حقیقی مجزا به حساب نمی‌آید، بنابراین، این افراد باید امکاناتی را بر اساس لیاقت‌های اجتماعی شناخته شده‌شان نه بر اساس شایستگی‌های فردی دریافت دارند. از این رو، سطح تلقی واحدهای دریافت کننده اساس رفتارهای اجتماعی را می‌سازد. در سطوح اجتماعی، مردم می‌توانند نگران درآمدها و نحوه‌ی توزیع آن در کل جامعه باشند، هر شخص یا گروهی می‌تواند واحدهای دریافت کننده این نوع توزیع‌ها باشد. به هر حال مردم خواهان مجموعه‌ای از همه افراد یا گروه‌ها هستند که بر روی خط عدالت حرکت و رفتار می‌کنند.

کاربرد این سه نوع عدالت یعنی توزیعی، فرایندی و کیفی به جای پرداختن به مفاهیم ذهنی و انتزاعی، صرفاً به تحقیقات مرتبط با انواع عدالت و تمکین مالیات و طبقه‌بندی ما کمک می‌کند. عدالت فرایندی و تمکین مالیاتی در مقایسه با عدالت توزیعی، مالیات در عدالت فرایندی کمترین تحقیق انجام شده را به خود اختصاص داده است. مشکلات مبتلا به عدالت فرایندی عبارت است از:

کیفیت مراوده مودیان مالیاتی و مسئولین اجرایی مالیاتی؛

میزان نفوذ و کنترل مودی مالیاتی؛

کیفیت و محتوای اطلاعات ایجاد شده توسط مسئولین مالیاتی؛

تمکین و هزینه‌های اداری وصول مالیات.

البته مورد آخر بُعد عدالت توزیعی دارد. هزینه‌های تمکین مالیاتی توجیه پذیر است، اما به نظر مودی هزینه‌های اداری وصول مالیاتی باعث تلف شدن درآمدهای مالیاتی می‌شود، که بدلیل فرایند غلط شاهد هدر رفتن منابع مالی هستیم. تمامی موارد مطروحه هم در قالب اشخاص و هم در قالب جامعه قابل بررسی است.

در سطح اشخاص، مودیان مالیاتی چگونگی برخورد عادلانه و برابر نظام مالیاتی با خود و دیگر اشخاص هدف همانند: فامیل و یا دوستان را مورد ارزیابی قرار داده و نتیجه‌گیری می‌کنند که آیا این برخوردها محترمانه و بی طرفانه بوده است یا خیر؟ برخورد محترمانه ضمن اینکه باعث بهبود و افزایش پرداخت‌های مالیاتی و ارتقاء سطح همکاری مودیان مالیاتی می‌شود، موجبات استحکام روابط، وفاداری و حمایت از مقامات مالیاتی را نیز در پی دارد. در غیر اینصورت تمکینی صورت نخواهد گرفت. احترام و قابل اعتماد بودن از ابزارهای عدالت فرایندی بشمار می‌آید.

منابع و مأخذ

- آقایی، اله محمد؛ اکبر کمیجانی، (۱۳۸۰)، مبانی نظری مالیات بر ارزش افزوده و مزایای آن در راستای اصلاح نظام مالیاتی، پژوهشنامه اقتصادی شماره ۲، صص ۱۳۵-۱۵۸.
- حجتی پور، ا. و محمودی، محمد جواد، ۱۳۸۵، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی واحدهای مشاغل شرق تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی مرکز.
- دانشکده امور اقتصادی، (۱۳۸۱)، قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۶۶/۱۲/۳ با آخرین اصلاحات مصوب ۸۰/۱۱/۲۷. نشر نگاره آفتاب، چاپ اول.
- دوانی، غلامحسین، ۱۳۸۰، مجموعه قوانین مالیات های مستقیم (مشمول بر آخرین اصلاحات اسفند ماه ۱۳۷۹ و مفاد مالیاتی قانون بودجه سال ۱۳۸۰) و برنامه سوم، تهران: کیومرث.
- رزاقی، م، ۱۳۸۸، جزوه مبانی مالیات. دانشکده امور اقتصادی و دارایی.
- رسولی شمیرانی، ر. و اسدزاده بالی میررستم، (۱۳۸۶)، فرهنگ مالیاتی و تاثیر آن بر تمکین داوطلبانه مودیان. دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی، مجموعه مقاله های اولین همایش سیلست های مالی و مالیاتی، ۵۲۴-۵۰۹.
- رسولی شمیرانی، ر. و اسدزاده بالی، میررستم، ۱۳۸۶، بررسی عوامل مؤثر بر تمکین و خود اظهاری مودیان مالیاتی و ارائه راهکارهایی کارآمد جهت بهبود شرایط موجود. دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی، مجموعه مقاله های اولین همایش سیاست های مالی و مالیاتی، ۳۸۹-۳۷۱.
- رضایی، م. و نعیمی حکشویایی فاطمه، ۱۳۸۶، بررسی تاثیر اصلاحات مربوط به جرایم مالیاتی. مجموعه مقاله های اولین همایش سیاست های مالی و مالیاتی، ۴۴۵-۴۲۷.
- زایر، آ، ۱۳۸۸، جایگاه ساده سازی در برنامه های اصلاح مالیاتی: تجربه جهانی و چالش های نظام مالیاتی ایران. فصلنامه تخصصی مالیات، شماره ششم (مسلسل ۵۴)، ۱۸۴-۱۵۷.
- عاملی، آ. و زمردیان، محمدرضا. و مالک بهادری، ۱۳۸۶، ارزیابی تاثیرگذاری اعتماد عمومی نسبت به نحوه مصرف مالیات بر تمکین مالیاتی (با تاکید بر تخصیص محلی مالیات). دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی، مجموعه مقاله های اولین همایش سیاست های مالی و مالیاتی، ۴۰۹-۳۹۹.
- عرب مازار، ع، ۱۳۷۳، فصلنامه مالیات. شماره ۱۸.
- عرب مازار، ع، ۱۳۸۲، جستارهایی در سیاست گذاری مالیاتی. تهران: انتشارات دانشکده امور اقتصادی.
- عسگری فرد، حسن، ۱۳۸۶، بررسی نقش کیفیت خدمات در بهبود تمکین داوطلبانه مودیان مالیاتی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- کلانتری، ش، ۱۳۸۷، بررسی راهکارهای بهبود و توسعه فرهنگ مالیاتی. مرکز آموزش مدیریت دولتی واحد تهران.
- کمالی، سعید، شفیعی، سعیده، ۱۳۹۰، مفهوم تمکین مالیاتی و محاسبه آن در نظام مالیاتی ایران، پژوهشنامه مالیات، جلد ۱۹ شماره ۱۰ صفحات ۱۴۳-۱۶۸.
- کوزه گز کالجی، ع. و اثنی عشری، ابوالقاسم، ۱۳۸۳، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی از دیدگاه ممیزان مالیاتی. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی قائمشهر.
- محمدی، ع. و محمودی، محمد جواد، ۱۳۸۶، بررسی عوامل مؤثر بر تمکین مالیات از دیدگاه مأموران مالیاتی اداره کل امور مالیاتی شرق تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- موسوی جهرمی، یگانه؛ طهماسبی بلداجی، فرهاد؛ خاکی، نرگس، ۱۳۸۸، فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده: یک مدل نظری، فصلنامه مالیات شماره ۱۷، ۳۸-۲۷.
- مهندس، ا. و مهدی تقوی، ۱۳۷۲، مالیه عمومی، انتشارات فروردین.
- Cummings, r., Jorge Martinez, Michael Mckee, Benno Torgler, (2005), Effects of Tax Morale on Tax Morale on Tax Compliance, Experimental and Survey Evidence, 2.
- Murphy, k., (2008), Enforcing Tax Compliance: To Punish or Persuade?, ECONOMIC ANALYSIS & POLICY, VOL. 38 NO.1, MARCH 2008, Faculty of Arts and Education, Deakin University, 113.
- Park. C. G., and J. K. Hyun. , (2003), Examining the Determinant and of Tax Complianc by Experimental Data: a Case of Korea, Journal of Policy Modeling, Vol. 25, 673-684.

Riahi-Belkaoui, A. 2004. Accounting theory. London: Thomson Learning.

Riahi-Belkaoui, A., (2004), Relationship Between Tax Compliance Internationally and Selected Determinants of Tax Morale. Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, No.13, PP.135-143.

Richardson, M., & Sawyer, A. (2001), taxonomy of the tax compliance literature: Further findings, problems and prospects. Australian Tax Forum, 16(2), 137–320.

Abstract

The aim of this study is investigate the relationship between tax knowledge, perceived Tax Justice and tax compliance. Research method from aim perspective is applied and In terms of method Descriptive – correlation. The populations are all tax payers Ilam province. By using Cochran formula were selected 308 people as the sample size. From Library and field methods is used to collect information. Research instruments are questionnaire tax knowledge, tax compliance and tax justice a total of 38 questions and its validity was confirmed by experts. Questionnaire reliability obtained 0/877. Through the spss software used for the analysis of data and from Pearson correlation coefficient used to examine the relationship between variables. The results showed that there is significant correlation between tax knowledge, perceived Tax Justice and tax compliance.

Keywords: Tax knowledge, perceived Tax Justice and tax compliance.

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی

مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها

اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله